



دکتر عادل جلیلی، رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور در گفت‌و‌گو با طبیعت ایران: جنگل‌های شمال را نباید به حال خود رها کنیم

بحران‌های طبیعی کشور از جمله



تغییر اقلیم، زوال اکوسیستم و تغییر کاربری اراضی از آنجا که بیشتر به دلیل رویکردهای غیر علمی، ساده‌انگارانه و بی‌تدبیری به وجود آمده‌اند مقابله با آنها نیز بیش از هر چیز نیازمند نگاه علمی و پژوهشی است. در این میان مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور که از خرد جمعی پژوهشگران در این زمینه سود می‌برد می‌تواند با نگاه علمی و محققانه به کنترل و مدیریت چالش‌های طبیعت ایران کمک شایانی بکند. در این راستا دکتر پریسا پناهی مدیر اجرایی نشریه

طبیعت ایران، میزبان دکتر عادل جلیلی، رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور بود تا اندیشه‌ها و رویکرد مدیریتی وی در زمینه‌های مورد بحث، بررسی شود. اولویت‌بندی بحران‌های منابع طبیعی ایران، روش‌های کاهش فشار بر جنگل‌ها، بررسی مدیریت جامع حوزه آبخیز، بحث تنفس و استراحت جنگل، گروه‌های راهبردی منابع طبیعی و رویکردهای فعلی و آتی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور در حوزه کاری خود از جمله مباحث مطرح شده در این گفت‌و‌گوی طولانی بود که حاصل آن اکنون پیش روی شماست.

● طبیعت ایران: شما به‌عنوان رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور بر برنامه‌های مختلفی تاکید دارید که مهمترین آن رویکرد حفاظتی است. لطفاً توضیح دهید که این رویکردها با مدیریت فعلی در منابع طبیعی چه ارتباطی دارد؟

■ دکتر جلیلی: ما هم‌اکنون در منابع طبیعی با چند پدیده روبه‌رو هستیم که یکی از مهمترین آنها پدیده تغییر اقلیم است. وقتی پدیده تغییر اقلیم در کشوری مثل ایران مطرح می‌شود که در کمربند خشک و نیمه‌خشک دنیا قرار دارد، در این صورت اثر مضاعفی روی محیط‌های طبیعی آن خواهد داشت. همچنین کشور ما در حال حرکت به سمت توسعه بوده و طبیعی است که فشار روی محیط‌های طبیعی مطرح شود. همیشه در استفاده از طبیعت دو مقوله بسیار مطرح می‌شود: ۱- استفاده از کالا؛ برای مثال چوب از جنگل، علوفه از مرتع و آب از کل اکوسیستم. ۲- خدمات؛ که نگاهی جدید در استفاده از محیط‌های طبیعی است.

بحث نقش محیط‌های طبیعی در حفظ تنوع زیستی به‌عنوان بستر حیات، حفظ آب، حفظ خاک و همچنین منظر طبیعی از دید زیبایی‌شناختی که در اختیار انسان قرار می‌گیرد، همگی در این حوزه به‌شمار می‌روند. البته نکته حائز اهمیت اینجاست که انسان باید بین استفاده از کالا و خدمات با توجه به کشتش اکوسیستم تصمیم بگیرد. نظر به تغییر اقلیم و نیز فشاری که از نظر مدیریتی بر طبیعت ایران وارد شده است، ناچاریم که به طبیعت با نگاه جدیدتر که بشود آن را حفظ و احیا کرد، بنگریم. به‌طور مثال طی مطالعات جدیدی که مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع در ۱۰ سال گذشته انجام داده، سطح بیابان‌های کشور نه ۳۲ میلیون هکتار بلکه ۹۰ میلیون هکتار است؛ یعنی بیشتر از ۵۰ درصد اکوسیستم‌های طبیعی ایران را بیابان‌ها تشکیل می‌دهند. وقتی می‌گوییم بیابان ظرفیت اکوسیستم تعریف شده است و سطح وسیعی از بیابان داریم، بنابراین باید این اکوسیستم را بیشتر به سمت خدماتش بریم تا کالای آن. از طرف دیگر بحث تغییر اقلیم مطرح است که اولین آثار آن وجود خشکسالی پایدار و مداوم است، بنابراین بهترین روش مدیریتی حفاظت و احیا است. یعنی باید رویکردمان را در اکوسیستم‌های طبیعی خود به سمتی بریم که ببینیم چگونه می‌شود با آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش این محیط‌ها را حفظ کرد.

● طبیعت ایران: با توجه به اینکه در ۱۰ سال گذشته مساحت بیابان‌های کشور سه برابر شده، آیا ما برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدتی هم در این زمینه داریم؟

■ دکتر جلیلی: بله داریم. چون محیط‌های طبیعی، محیط‌های بکر و رها شده‌ای نیستند و انسان به‌نحوی با آنها در ارتباط است. یکی از بحث‌های حفاظتی برای مثال توسعه مناطق حفاظت‌شده است که به‌طور معمول بین رویکرد حفاظتی و مناطق حفاظتی تفاوتی قائل نمی‌شوند، در حالی‌که اینگونه نیست. مناطق حفاظت‌شده هدفی دارند و رویکرد حفاظتی یک هدف دیگر. توسعه مناطق

حفاظت شده یا آوردن بعضی از مناطق جدید برای مناطق حفاظت‌شده در زیرمجموعه برنامه حفاظتی می‌تواند یک برنامه کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت باشد و این‌گونه نیست که ما تصمیم بگیریم که جایی را منطقه حفاظت‌شده اعلام کنیم. یا اینکه به‌عنوان مثال برای رویشگاه‌های درمنه‌زارها که ۳۴ میلیون هکتار در کشور بوده و اکنون مورد استفاده و چرا قرار می‌گیرد، نمی‌توان سریع تصمیم گرفت که همین امروز بهره‌برداری ما به سمت حفاظتی برود. همه این موارد در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان مدت و درازمدت مطرح می‌شود.

● طبیعت ایران: از صحبت‌های این روزهای شما به‌نظر می‌رسد که منتقد مدیریت جامع حوزه آبخیز هستید، در حالی‌که به این مسئله به‌عنوان یک رویکرد جدید در سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور نگریسته می‌شود. حال پرسش اینجاست که آیا شما واقعاً مخالف مدیریت جامع حوزه آبخیز هستید؟ اگر پاسختان مثبت است چه جایگزینی برای این مسئله می‌توانید بیان کنید؟

■ دکتر جلیلی: بنده مخالف این رویکرد نیستم و این رویکرد در جای خود می‌تواند مؤثر باشد. به هر ترتیب در مدیریت کلان آب ما باید مدیریت جامع حوزه آبخیز را در نظر بگیریم یا در بحث آب برای کشاورزی هم باید مدیریت جامع حوزه را در نظر بگیریم. در مورد همین مشکلی که در خوزستان ایجاد شده است، اگر نگاه جامع‌تری به آب می‌شد به‌طور قطع چنین مشکلاتی به‌وجود نمی‌آمد.

اگر ما تنها به استحصال آب فکر کرده ولی دشت‌ها، سیلاب‌ها و تالاب‌ها را فراموش کنیم، آن وقت با مشکل و بحران مواجه می‌شویم.

من اعتقاد دارم باید مدیریت جامع حوزه آبخیز مورد توجه باشد، اما این دید در مدیریت جنگل‌ها و مراتع کارکردی ندارد؛ چون در حقیقت جنگل‌ها، مراتع و بیابان‌های ما متأثر از حوضه‌های آبخیز نبوده و تحت تأثیر اقلیم و شرایط خاک هستند. اگر قرار باشد برای جنگل‌های شمال طرح‌های احیا و حفاظت تعریف کنیم، این کار براساس حوزه مدیریت جامع آبخیز معنا ندارد، زیرا اکوسیستم جنگل‌ها براساس شرایط اقلیمی به‌وجود آمده است. تپ‌های جنگلی متفاوت هستند. کدام‌یک از این تپ‌های جنگلی براساس حوزه‌های آبخیز شکل گرفته‌اند؟ هم‌اکنون معاونت آبخیز، مرتع و بیابان را شکل داده‌ایم و عمده تمرکز



ما روی آبخیز است و کارهای فیزیکی آبخیز به‌طور عمده بر اساس یکسری کارهای فیزیکی و مکانیکی انجام می‌شود. اصل مدیریت مرتع و بیابان فراموش شده و به حاشیه رانده شده است. اگر همین موضوع را به جنگل‌ها تسری دهیم، باز دوباره این حاشیه برای جنگل‌ها ایجاد خواهد شد. بنابراین بنده اعتقاد دارم که مدیریت جامع حوزه آبخیز در آب مفهوم دارد اما در مدیریت جنگل‌ها و مراتع مفهومی ندارد. طرح‌های جنگل‌داری، طرح مرتع‌داری و طرح جامع بیابان براساس شرایط خاص اکوسیستم‌شان شکل می‌گیرد نه حوزه‌های آبخیز.

اکوسیستم‌های ما است. عمده تالاب‌ها، مانداب‌ها، رودخانه‌ها و دشت‌های سیلابی موضوعات زائدی نیستند، بلکه محیط‌های طبیعی به‌شمار می‌روند که نقش حیاتی دارند و اگر هم مورد بی‌مهری قرار گیرند، به سرعت واکنش نشان می‌دهند. این واکنش را هم اکنون در قالب ریزگرد در خوزستان می‌توانیم مشاهده کنیم. موضوع دوم، بحث استفاده انسان از آب است که برای آشامیدن یا تأمین آب برای صنعت و سرانجام بخش کشاورزی مطرح می‌شود. موضوعی که مؤسسه روی آن تأکید دارد، این است که برای اینکه طبیعت‌مان در بستر حیات باقی بماند، ما در تقسیم آب بین بخش‌های مختلف باید حقایق محیط‌های طبیعی را به رسمیت بشناسیم، سپس آب مورد نیاز برای مردم، صنعت و کشاورزی را مدیریت کنیم. برای مثال زاینده‌رود، به‌منظور سه نوع خدمات برای مردم اصفهان، تالاب گاوخونی و کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شما بین این سه مورد اولویت را بیشتر به کدام مورد می‌دهید؟

من اعتقاد دارم که آب برای خود زاینده‌رود اولویت اصلی است چراکه آب باید در بستر خود رودخانه جریان داشته باشد تا تالاب گاوخونی هم زنده بماند. وقتی زاینده‌رود زنده بماند، تمدنی به‌نام تمدن اصفهان هم زنده خواهد بود و اگر قرار بر عقب‌نشینی باشد، باید بخش کشاورزی عقب‌نشینی کند. در این میان گاهی ما ناچاریم بین صفر و یک با سیاست درستی تصمیم بگیریم. شبیه این مسئله را متأسفانه در خوزستان مبتلا شده‌ایم. بنابراین موضوع حقایق محیط‌های طبیعی باید در اولویت تصمیم‌گیری‌های کشور باشد.

● طبیعت ایران: در این رابطه نظر شما در خصوص حقایق‌های محیط‌های طبیعی چیست؟ چراکه مؤسسه به این موضوع خیلی اهمیت می‌دهد. با توجه به بحران‌های محیط‌زیستی که در کشور وجود دارد، نقش مؤسسه در این مورد چیست؟

■ دکتر جلیلی: اگر کشوری پرآب و پر باران بودیم، شاید این موضوع زیاد مطرح نمی‌شد، اما ما در یک کشور خشک زندگی می‌کنیم. آب در ابتدا نقش حیات اکوسیستم را بازی می‌کرد تا تأمین نیاز انسان، اما متأسفانه روی کره زمین همه نیازها بر اساس انسان مدیریت می‌شود. طی ده‌ها سال به‌ویژه در قرن بیستم انسان فکر کرد که امکانات طبیعی بی‌انتها هست و می‌شود فقط به تأمین نیاز انسان فکر کرد و زیاد ضرورتی ندارد که به حساسیت‌ها و باید و

نبایدهای طبیعت توجه کنیم. این نگرش منجر به همین بحرانی شد که اکنون دچار آن شده‌ایم. در کشور خشکی مثل ایران، آب از چند جنبه مورد توجه است. نقش اصلی آب در حیات طبیعی



● طبیعت ایران: می‌دانیم که ایران کشوری با پوشش جنگلی کم است. در این میان جنگل‌های هیرکانی نیز با توجه به وضعیتی که دارند و صنعتی بودن آنها از اهمیت زیادی برخوردارند. با توجه به اینکه این روزها فشار زیادی به جنگل‌های هیرکانی وارد می‌شود، برای تعدیل این وضعیت از میان دو گزینه واردات چوب و زراعت چوب شما کدام را پیشنهاد می‌کنید؟
■ دکتر جلیلی: منابع سلولزی یکی از نیازهای جامعه توسعه

موضوع اساسی و مهم، ماده اولیه یا همان چوب است. یکی از آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای تأمین چوب، واردات آن است. ما در جایی قرار گرفته‌ایم که به آسانی به منابع سلولزی دنیا، جنگل‌های نیم‌کره شمالی و جنگل‌های روسیه، دسترسی داریم. بین ما



و این جنگل‌ها فقط دریای خزر قرار دارد، بنابراین راحت می‌شود چوب را انتقال داد. ولی در این میان مطلب بسیار اساسی و کلیدی موضوع قرنطینه است.

ما به روش‌های قدیمی و ابتدایی قرنطینه چوب، نمی‌توانیم بسنده کنیم و این کار را انجام دهیم، بلکه این امر با مجموعه‌ای از اقدامات قابل انجام است. اقداماتی مانند توسعه جدی، اختصاص بندر توسعه یافته، فناوری لازم یا حتی فراهم کردن برخی امکانات قرنطینه‌ای در زمان انتقال چوب به ایران.

البته وزارت صنایع و صاحبان صنایع هم باید به سازمان حفظ نباتات از نظر سرمایه‌گذاری کمک کنند تا شرایط برای قرنطینه محیا شود. اگر این اتفاق رخ دهد، بخش عمده نیازهای ما در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به وسیله واردات چوب رفع می‌شود. موضوع دوم بحث زراعت چوب است. باید اشاره کنم که مردم ما در روستاها و به‌طور عمده شمال

یافته است؛ یعنی هر چه جامعه توسعه یافته‌تر باشد، مصرف منابع سلولزی هم بیشتر می‌شود. برای مثال کاغذ از همین مقوله است. میزان مصرف کاغذ در کشوری مثل هند ۴/۵ کیلو، در آمریکا ۳۰۰ کیلو و متوسط جهانی مصرف آن ۳۷ کیلو است. بنابراین پیدا است که هر چه جامعه توسعه یافته‌تر شود، نیاز به منابع سلولزی هم بیشتر خواهد شد. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم که نباید منابع سلولزی مصرف کنیم. جامعه ایران هم جزو جوامعی است که در فرآیند توسعه قرار دارد و به همین دلیل نیازمند کالاهای منابع سلولزی و برنامه‌هایی در این زمینه است. از طرف دیگر منابع سلولزی به‌عنوان ماده خام صنعت چوب و کاغذ کشور به‌شمار می‌رود. این صنعت به دلیل نداشتن پیچیدگی، ظرفیت اشتغال‌زایی فراوانی دارد. همچنین به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی ویژه می‌توانیم به کشورهای همسایه کالاهای سلولزی صادر و ارزش افزوده ایجاد کنیم. از سویی دیگر، ما هم‌اکنون میلیون‌ها دلار کالا مصرف کرده و اغلب این کالاها را وارد می‌کنیم. پرسش اینجاست که چرا صنعت ما در کشور این مهم را تولید نکند. براساس مطالعات مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، مصرف منابع سلولزی رو به افزایش است و صنعت چوب و کاغذ این ظرفیت را دارد که در کشور این



غرب و غرب زراعت صنوبر را که یک فعالیت سنتی قدیمی است، انجام می‌دهند و ما تنها به مردم کمک می‌کنیم تا با معرفی رقم‌ها و کلن‌هایی که دارای تولیدات بیشتری هستند و تغییر روش کاشت، تولید در واحد سطح را افزایش دهیم. چراکه می‌توان به راحتی سطح زیر کشت را ۲ تا ۳ برابر کرد و در مصرف آب نیز محدودیت‌ها را مدیریت کرده و به جای استفاده از آب کشاورزی از آب‌های نامتعارف استفاده کرد.

تصور کنید که در جنوب تهران ۲ تا ۳ هزار هکتار زراعت چوب صنوبر داشته باشیم. این موضوع از لحاظ محیط‌زیستی بسیار می‌تواند بر تهران تأثیرگذار باشد. از طرف دیگر اقتصادی هم بوده و به تأمین منابع سلولزی کمک کند. برای زراعت چوب تنها زمین‌های قابل آبیاری با آب‌های نامتعارف مورد توجه نیست، بلکه بسیاری از زمین‌های شمال کشور یا حفره‌هایی که در جنگل داریم می‌توانیم با استفاده از گونه‌های تندرشد مشکل را برطرف کنیم. این کار علاوه بر احیای جنگل‌های منطقه، تولید چوب را نیز در پی دارد. بنابراین زراعت چوب و واردات آن به عنوان ابزاری برای کاهش فشار بر جنگل‌های کشور لازم و ضروری هستند.

می‌شود، یا اینکه رویکرد احیا و حفاظت را در پیش گرفت. مؤسسه بر حفاظت و احیا تأکید دارد.

جنگل‌های شمال را نباید به حال خود رها کنیم. رویکرد طرح‌های جنگل‌داری باید همراه با رویکرد حفاظتی و احیا باشد.

وقتی چنین شد آن وقت روی بحث استراحت جنگل علامت پرسش قرار می‌گیرد. چون اگر جنگل‌ها بکر و خالص بود، آن وقت می‌توانستیم به عنوان مناطق حفاظت شده به آن نگاه کنیم، ولی وضعیت فعلی جنگل‌های شمال نیاز به کمک و احیا دارد. بنابراین روش بینابینی بین بهره‌برداری و استراحت باید استفاده شود. روش مناسب جدی برای جنگل‌ها این است که طرح‌های جنگل‌داری با رویکرد حفاظتی و احیا تهیه کنیم.

● **طبیعت ایران: در ارتباط با بحث کاهش فشار بر جنگل، این روزها در محافل علمی بحث‌های زیادی درباره تنفس و استراحت جنگل می‌شود. دیدگاه شما به عنوان رئیس بزرگترین مؤسسه تحقیقاتی کشور در زمینه منابع طبیعی، در این باره چیست؟**

■ **دکتر جلیلی: طرفداران استراحت جنگل، این موضوع را در مقابل بهره‌برداری از جنگل‌های شمال مطرح می‌کنند در حالی که بنده می‌گویم:**

● **طبیعت ایران: یکی از اقداماتی که در دوره جدید مدیریتی خود به آن اعتقاد دارید و راه‌اندازی کردید و البته پیش زمینه‌ای نیز در دوره قبلی داشت، گروه‌های راهبردی منابع طبیعی است. این گروه‌ها حدود ۲ تا ۳ سال است که کار خود را شروع کرده‌اند. لطفاً توضیح دهید که هدف از تشکیل این گروه‌ها چه بوده و به‌طور کلی برآیندی از فعالیت‌های گروه‌های راهبردی طی این چند سال بیان کنید.**

■ **دکتر جلیلی: در اوایل دهه ۸۰ برخی فعالیت‌های جدی در مؤسسه در قالب تدوین اجرای طرح‌های ملی روی داد. ظرفیت طرح ملی این است که یک نگاه کلان‌تر به مجری، محققان و دانشمندان می‌دهد. من احساس کردم بیشتر کار تحقیقاتی، علمی و پژوهشی انجام می‌دهیم و خروجی این‌ها بیشتر علمی و پژوهشی است. ما در دو مورد خلاء زیادی داریم. یکی از بزرگترین خلاءها این است که چگونه می‌توان علم را تبدیل به سیاست یا به عبارت دیگر رویکرد کرد؟ دوم اینکه با استفاده**

باید دید خود جنگل چه چیزی می‌گوید؟

در ابتدای صحبت‌هایم بحث حفاظتی را مطرح کردم و با توجه به وضعیت فعلی جنگل‌های شمال احساس می‌کنم نیاز به یک بازسازی وجود دارد. یعنی ما در جنگل‌های شمال با کاهش سطح و کیفیت جنگل مواجه هستیم و از همه بدتر حفره‌هایی در دل جنگل ایجاد شده است. چگونه می‌شود این موارد را بازسازی کرد؟ آیا باید به‌طور کلی بهره‌برداری قطع شود که تحت عنوان استراحت جنگل مطرح

جهد کشاورزی استان تهران اعلام کرده که ۲۲ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی با آب فاضلاب آبیاری می‌شوند که به لحاظ بهداشت و سلامت این یک فاجعه است. بنابراین همه مسئولان به دنبال تغییر کاشت هستند؛ روش کاشتی که علاوه بر حل مشکل بهداشت، اقتصادی و محیط‌زیستی باشد و نیز باعث مشارکت روستاییان شود. بحث زراعت چوب به خصوص صنوبر به‌طور آزمایشی در بعضی از نقاط، از جمله شهر ری اجرایی شده است. برای مثال

از این علم چگونه می‌توان راهبرد تعریف کرد؟ این کار تنها از طریق تحقیقات به‌دست نمی‌آید و باید به کمک برخی افراد باتجربه و صاحب‌نظر چه در بدنه علمی، چه در بدنه اجرایی و همچنین اساتید دانشگاهی با اتکا بر اطلاعاتی که از تحقیقات خودمان به‌دست آمده بتوانیم رویکردهای جدیدی برای مدیریت محیط‌های طبیعی کشور تعریف کنیم. برای مثال اینکه چگونه می‌توان فشار روی جنگل را کاهش داد؟ یا اینکه چگونه می‌شود بیابان‌های ایران را به رویکرد توسعه‌ای نزدیک کرد؟ یا چه نوع رویکردی را برای توسعه کشور تعریف کنیم تا مفاخر با محیط‌های طبیعی کشورمان نباشد؟ موضوع آنقدر عمیق و مهم است که حتی بر تصمیم‌گیری‌ها، حمل و نقل، تولید ثروت، اشتغال‌زایی یا به‌طور کلی بر برنامه توسعه‌ای کشور تأثیر می‌گذارد. منابع طبیعی به همه موضوعات ارتباط دارد و تنها نمی‌توان مطالعات را منوط به یک موضوع خاص برای مثال جنگل‌شناسی یا اکولوژی کرد. بخش وسیعی از عرصه‌های ما در اختیار محیط‌های شهری قرار می‌گیرند، بنابراین ما ناچار هستیم از دید منابع طبیعی نگاه جدیدی به مسائل توسعه‌ای کشور داشته باشیم. به‌همین دلیل گروه‌های راهبردی شکل گرفتند و لازم هستند. این گروه‌ها در دوره پیشین شکل گرفت و هم‌اکنون نیز به‌طور جدی احیا شده‌اند و گروه‌های مختلفی به‌تناسب موضوعات نظیر برنامه احیای اکوسیستم‌های زاگرس، احیای شمشادها و غیره تشکیل شده است. می‌توان تأثیر این فعالیت‌ها را در برنامه‌های مدیریتی دستگاه‌های اجرایی و نیز در رویکرد تحقیقاتی مؤسسه مشاهده کرد. شاید بتوان گفت که نشریه طبیعت ایران تولیدی گروه‌های راهبردی است.

● طبیعت ایران: به‌عنوان آخرین پرسش، با توجه به بحران‌های امروزه کشور از

جمله تغییر اقلیم و زوال اکوسیستم، رویکرد مؤسسه در پژوهش‌های منابع طبیعی چگونه است؟

■ دکتر جلیلی: هم‌اکنون ایران با چند بحران مواجه است که بعضی از آنها به یکدیگر متصل بوده و بعضی هم تأثیرپذیرند. به ترتیب اهمیت، **تغییر اقلیم را می‌توان مهمترین بحران دانست؛ بحران آب، زوال اکوسیستم و تغییر کاربری اراضی، موضوعاتی هستند که در کشور با آنها مواجه هستیم.**

برای اینکه از یک طرف در برخورد با این پدیده‌ها دچار انفعال نشویم، نظیر موضوع شمشادها در جنگل‌های شمال یا زوال بلوط‌ها در زاگرس، بهترین روش این است که از Inventory & Monitoring استفاده کنیم، یعنی وضع موجود و روند تغییرات وضع موجود را خوب متوجه شویم.

لازم به ذکر است که بحث‌های زیادی در این خصوص در گروه‌های راهبردی و شورای پژوهشی انجام شد تا در بخش‌های تحقیقاتی خود چه نوع پایشی را تعریف کنیم که بتوان با آن روند تغییرات اکوسیستم را خوب تشخیص دهیم و براساس آن برنامه‌ریزی کنیم. بنابراین یکی

از محوری‌ترین کارهای مؤسسه ان‌شاء‌الله در آینده بحث پایش است که پروژه‌های تحقیقاتی آن نیز به‌طور عمده تدوین شده است. مطلب مهم‌تری نیز مطرح است و آن نگرانی از تنوع زیستی به‌ویژه تنوع گونه‌های گیاهی کشور است. با توجه به اینکه ایران غنی‌ترین ذخایر گیاهی را دارد و از ۸۰۰۰ گونه گیاهی موجود، ۲۰۰۰ گونه اندمیک ایران هستند که متأسفانه اکثراً نادر بوده و پراکنش محدودی دارند، بنابراین باید از روش حفاظت بهره گرفت.

در حفاظت دو روش Ex-situ و In-situ داریم. در In-situ بحث حفاظت در جنگل‌ها مطرح است که سازمان محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور متولی آن هستند. در Ex-situ هم مؤسسه وظیفه دارد که در قالب باغ گیاه‌شناسی و بانک‌های ژن این کار را انجام دهد. بنابراین یکی از رویکردهای نوین که در گذشته هم بوده ولی اکنون پررنگ‌تر شده بحث مربوط به حفظ تنوع زیستی است که مؤسسه در قالب ۷ تا ۸ پروژه ملی در حال انجام آنها است.

